


نوع مقاله: پژوهشی

نقد و بررسی نظریه سرمایه اجتماعی کلمن بر مبنای معیارهای سنجش معرفت اجتماعی

لیلا نصراله‌ی وسطی / استادیار گروه علوم اجتماعی جامعه شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
leila.nasrolahi@srbiau.ac.ir

محمد رضا جلیلوند / استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران

rezajalilvand@ut.ac.ir  orcid.org/0000-0003-0740-6778

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۲

چکیده

سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن بر پایه روابطی شکل می‌گیرد که میان اشخاص (حقیقی و حقوقی) برقرار می‌شود. به باور کلمن، اگر سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و اگر سرمایه انسانی کمتر ملموس است و در دانش‌ها و مهارت‌های اخذ شده به وسیله فرد حضور دارد، سرمایه اجتماعی به مراتب ناملموس‌تر است؛ زیرا در روابطی که در بین اشخاص برقرار است، یافت می‌شود و مولد است. برخلاف تأکید کلمن بر اهمیت وجود سرمایه اجتماعی برای توسعه دارد، امروزه شاهد فرسایش آن در جوامع مختلف هستیم. براین اساس هدف اساسی مطالعه حاضر، نقد آرای کلمن در زمینه سرمایه اجتماعی براساس معیارهای سنجش معرفت اجتماعی (نقد منطق درونی و بیرونی، اعتبار جامعه‌شناختی و روش‌شناختی، اعتبار فلسفی و اعتبار کارکردی) است. این پژوهش با استفاده از چارچوب نقد نظریه پیشنهادی قریشی (۱۳۹۳) و با اتخاذ تفکر انتقادی به نقد نظریه کلمن می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که به‌رغم قدرت تبیین‌کنندگی نظریه سرمایه اجتماعی کلمن، از منظر معیارهای معرفت اجتماعی نقدهایی بر این نظریه وارد است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل جامعه‌شناختی، سرمایه اجتماعی، فرسایش، جیمز کلمن.

سرمایه اجتماعی بر وجود نوعی دارایی غیر ملموس و غیر اقتصادی دلالت می‌کند که ریشه در روابط اجتماعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها دارد. در واقع کیفیت و کمیت همین روابط اجتماعی است که دارایی و سرمایه اجتماعی افراد را تشکیل می‌دهد. سرمایه‌دارترین افراد و جوامع آنهایی هستند که از بیشترین سطح روابط اجتماعی پایدار و مؤثر و ارتباطات شبکه‌ای در جهت دستیابی به پیشرفت برخوردارند. سرمایه اجتماعی نیز همانند سایر انواع سرمایه‌های یک فرد می‌تواند زمینه‌ساز و بیانگر جایگاه برتر اجتماعی وی و نیز وسیله‌ای برای حفظ برتری او باشد. سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن بر پایه روابطی شکل می‌گیرد که میان اشخاص (حقیقی و حقوقی) برقرار می‌شود. کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی را از اقتصاد به جامعه‌شناسی آورد (کلمن، ۱۹۸۸، ص ۹۸). به عقیده او این مفهوم نه یک موجود منفرد، بلکه دربرگیرنده موجودیت‌های مختلفی است. سرمایه اجتماعی برخلاف اشکال دیگر سرمایه در ذات ساختار روابط میان کنشگران وجود دارد. کلمن پس از این تعریف از سرمایه اجتماعی، مجموعه‌های مختلفی از کنش‌ها، پیامدها و روابط را سرمایه اجتماعی می‌نامد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۶۸).

به باور کلمن، سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شی واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند:

الف) همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند (عناصر و پیوندهایی که حیات اجتماعی را تدویم می‌بخشند)؛

ب) واکنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند اعم از اشخاص حقیقی یا عاملان حقوقی، تسهیل می‌کند و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌نیافتنی خواهند بود امکان‌پذیر می‌سازند (همان، ص ۴۲۳).

به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، که در نظریه اقتصاد نئوکلاسیک بحث می‌شود، متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها بدین قرارند:

۱. به‌آسانی مبادله نمی‌شود؛

۲. سرمایه اجتماعی دارایی شخصی هیچ‌یک از افرادی که از آن سود می‌برند نیست و این به واسطه صفت کیفی ساختار اجتماعی است که فرد در آن قرار گرفته است؛

۳. نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر است و معمولاً شخص خاصی آن را به وجود نمی‌آورد؛

۴. سرمایه اجتماعی در صورت استفاده بیشتر، برخلاف بعضی اشکال دیگر سرمایه، نه تنها مستهلک نمی‌شود بلکه افزایش می‌یابد.

کلمن تحت تأثیر کاربرد نظریه انتخاب عقلانی در تبیین رفتار، بر منافع فردی سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۳۵۸). گرچه مفهوم سرمایه اجتماعی در تعریف کلمن، بیشتر به سطح روابط بین فردی و گروهی

(سطح خرد) اشاره دارد، اما او اثرگذاری سرمایه اجتماعی در سطوح کلان‌تر مثل رابطه میان نهادها و ساختارهای سیاسی را نیز مدنظر قرار داد. با این حال شواهد نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف رو به زوال و فرسایش گذارده است. با توجه به اهمیت دیدگاه کلمن و رویکرد خرد - کلان‌نگر وی به مفهوم سرمایه اجتماعی، در این نوشتار، بر مبنای رویکرد نظری و براساس معیارهای سنچس معرفت اجتماعی (نقد منطقی درونی و بیرونی، اعتبار جامعه‌شناختی و روش‌شناختی، اعتبار فلسفی و اعتبار کارکردی) به بررسی و نقد نظریه سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه بحث

رئیس *دانا* (۱۳۹۳) در نقد مفهومی سرمایه اجتماعی اظهار داشت که اصطلاح سرمایه اجتماعی از حیث مفهومی نارسا است زیرا به مجموعه عوامل فرهنگی نامعین اشاره می‌کند که می‌توانند آثار متفاوتی در جامعه داشته باشند. شاخص‌های اندازه‌گیری پیشنهاد شده برای آن کاملاً نامؤثر و نادقیق ماند، زیرا عواملی را که اندازه می‌گیرند در واقع یا جنبه‌های فرهنگی دارند یا اساساً عوامل مستقل و حاکم به ذات و برون‌دادی نیستند. مفهوم سرمایه اجتماعی، از مفهوم بازاری تولید کالا و خدمات ناشی شده است. به زعم وی اصطلاح سرمایه اجتماعی را نمی‌توان با نظریه‌های اساسی اجتماعی پیوند داد و نسبت به پدیده‌های کیفی، اجتماعی و تاریخی نگاهی ابزاری دارد. در حالی که سرمایه اجتماعی، اگر به معنای برخورداری از ویژگی‌های بیرونی باشد می‌تواند هم تبعیض آمیز باشد، هم ضد سرمایه و هم در خدمت هدف گروه‌های معارض با منافع انسانی. در یک کلام سرمایه اجتماعی در خدمت توجیه نظام تولید مصرف بورژوازی قرار دارد.

عریضی (۱۳۹۷) به نقد روش‌شناختی و مفهومی سرمایه اجتماعی فریبز رئیس *دانا* پرداخت. به اعتقاد او نظریه سرمایه اجتماعی، دو حوزه اقتصاد و غیراقتصاد را بهم آمیخته و پژوهشگران را قادر ساخته است مفهوم اجتماعی را در تحلیل اقتصادی از درپستی وارد کنند. برخلاف تلاش دو نظریه پرداز اصلی کلمن و پوتنام، این امر به این دلیل که مبنای سازنده آن متناقض بوده ناموفق بوده است. رئیس *دانا* فاین را به این دلیل که به سرمایه اجتماعی نگاه انتقادی داشته است مورد تحسین قرار داده است و سرمایه اجتماعی را هم از نظر مفهومی مبهم و هم غیردقیق می‌داند و کاربرد آن را موجب نگهداری پایه‌های تبعیض و پذیرش محافظه کارانه هنجارهای مقبول جهان سرمایه‌داری می‌داند. هرچند او در نقدهای خود به بن فاین اقتدا می‌کند اما تأکید بن فاین در نقد *برودل* از سرمایه را از یاد برده است. *برودل* هم از نظر جایگاه علمی و هم از نظر قدرت نظریه‌پردازی از *برودیو* بالاتر است و به‌ویژه این پیشنهاد که سرمایه‌داری از اقتصاد بازار متفاوت است برخلاف اقتصاد بازار دو طبقه دیگر یعنی زندگی مادی و اقتصاد سرمایه‌داری در منطقه کدر هستند. در این مطالعه سرمایه اجتماعی به منطقه کدر نسبت داده شده و مفهوم آن به دلیل ناروشن بودن با معنی آشفته مورد انتقاد قرار گرفت. در این پژوهش انتقادی مشخص شد که بزرگترین

نقطه قوت رئیس *دانا* توجه به تغییر مفهومی سرمایه از دیدگاه *مارکس* به سرمایه اجتماعی است. نقد جابه‌جا شدن نتیجه سرمایه اجتماعی با علت آن ابهام و آشفتگی نیز از نقاط قوت رئیس *دانا* است. باین حال او نتوانسته توضیح دهد چرا این سرمایه اجتماعی موجب پدیدایی دارایی نامشهود می‌شود. درعین حال نکات تاریخی از قبیل مطالعات ایتالیایی پوتنام معشوش و ارجاعات او نادرست است. خلاقیت رئیس *دانا* ارائه نظریه‌ای است که او خود آن را نظریه ضد سرمایه‌ای فساد اداری نامیده است. رئیس *دانا* فقط نقد مارکسیستی از سرمایه اجتماعی را مدنظر قرار داده و نقد مهم پایه‌گذار مکتب فرانسوی آنال را از قلم انداخته است. درنهایت تعریف ضد سرمایه‌ای (به جای سرمایه) رئیس *دانا* از سرمایه اجتماعی به‌ویژه مهم و دوران‌ساز است. این محقق نشان داده شده است که می‌توان از طریق نظریه فرناندو برودل تفسیری دقیق‌تر از سرمایه در معنی منفی برای فساد اداری ساخت. محقق دیدگاه رئیس *دانا* در مورد تقابل سرمایه اجتماعی در مقابل نظریات اجتماعی را به‌ویژه در دو نظریه یعنی نظریه هویت اجتماعی و قدرت پیوندهای ضعیف (هرچند رئیس *دانا* مستقیماً به آنها اشاره نکرده است) مورد تقدیر قرار می‌دهد و پیشنهاد *فاین* در مورد حذف سرمایه اجتماعی از قاموس نظریه اجتماعی به دلیل ناتوانی آن در تبیین پدیده اجتماعی را تأیید می‌کند. این محقق دیدگاه رئیس *دانا* را برای توصیف نظریه ضد سرمایه‌ای فساد گسترش داده است. اعتراض رئیس *دانا* به ایده سرمایه اجتماعی بر مبنای زمینه و تلویحات نادقیق تحسین شده است.

روزخوش (۱۳۹۹) از سیر تاریخی طرح ایده سرمایه اجتماعی در ایران سخن به میان آورده و در نهایت پروپلماتیک پژوهش‌ها و تحلیل‌های ایرانی سرمایه اجتماعی، گزاره‌های بنیادی این پژوهش‌ها و راهبردهای پیشنهادی‌شان را مرور کرد. آنچه در نهایت این محقق بر آن تأکید می‌گذارد، شکافی است که میان، مسئله‌مندی، ابزارهای تحلیلی و «سیاست‌ها» و «راهبردهای» پیشنهادی این آثار ظهور کرده است. این پژوهش‌ها در پی تلاش برای توضیح مسائل و تحولات جامعه ایران، درباره فقر و نابرابری، ساختار دولت، تغییر مناسبات کلان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سخن گفته‌اند، حال آنکه نتوانسته‌اند در چارچوب ایده سرمایه اجتماعی در چارچوب ایده سرمایه اجتماعی زمینه نظری و ابزارهای مفهومی درخور چنین تحلیلی را فراهم آورند. محقق استدلال می‌کند که این آشفتگی صرفاً برآمده از بی‌توجهی محققان ایرانی نیست، بلکه چه بسا برخاسته از پریشانی و تشتت اصل ایده سرمایه اجتماعی باشد.

فرهانی‌فرد و همکاران (۱۴۰۱) با شیوه‌ای تحلیلی و در بستر تقسیم‌بندی رایج از فلسفه اخلاق، به تحلیل مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخت. در این پژوهش ضمن تقسیم‌بندی مطالعات دینی حوزه سرمایه اجتماعی، با استخراج چارچوب اخلاقی سرمایه اجتماعی، انتقادات وارد بر مفهوم سرمایه اجتماعی که به واسطه چارچوب «فایده‌گرایی» آن پدیدار شده است، مورد بررسی قرار گرفت. براساس یافته‌های این پژوهش، به علت درک ناقص از فلسفه دینداری و عدم توجه به خاستگاه اخلاقی سرمایه اجتماعی، دین به موضوعی برای مطالعات سرمایه اجتماعی تنزل داده شده است. هرچند محقق درصدد تحلیل سرمایه اجتماعی از مبنای فلسفه اخلاق اسلام نبود، اما

معتقد است دلالت‌های وی برای مطالعات دینی به واسطه توجه به مختصات مفاهیم وارداتی در علوم انسانی، راهگشا خواهد بود.

۲. نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

کلمن یکی از جامعه‌شناسان برجسته امریکایی، و در زمره اندیشمندیانی است که پیرو نظریه تلفیقی سطوح خرد و کلان در تبیین پدیده‌های اجتماعی است. بنا بر الگوی تلفیقی کلمن، نظام اجتماعی زمینه رفتار و کنش فردی را تعیین می‌کند، ولی در مرحله بعد رفتار و کنش هدفدار کنشگران اجتماعی، جهت و شکل نظام اجتماعی را به صورتی نو پدید می‌آورد. کلمن معتقد است کنش اجتماعی هم به وسیله کنشگران حقیقی یا شخص صورت می‌پذیرد و هم به وسیله کنشگران حقوقی و جمعی. کلمن با تلفیق نظریه کنش پارسونز با نظریه سیستم‌ها، نگرش روش‌شناختی خود را آغاز کرد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴). کلمن نشان داد که سرمایه اجتماعی به انسان‌های قدرتمند محدود نیست بلکه می‌تواند مزایای زیادی برای اجتماعات فقیر و حاشیه‌ای داشته باشد. کار کلمن روی سرمایه اجتماعی را می‌توان در اثر بزرگ او «بنیادهای نظریه اجتماعی» مشاهده کرد. کلمن قصد داشت یک علوم اجتماعی بین‌رشته‌ای را توسعه دهد که می‌تواند جامعه‌شناسی و اقتصاد را به هم نزدیک سازد. عملکرد سرمایه اجتماعی نزد کلمن قابل مقایسه و شبیه به «دست نامرئی» بازار در نظریه اقتصاد کلاسیک است (کلمن و فرارو، ۱۹۹۲، ص ۲۶۷).

علاقه کلمن به سرمایه اجتماعی از تلاش برای تبیین روابط نابرابر اجتماعی و موفقیت تحصیلی در مدارس ناشی شد. کلمن نشان داد که گروه همسالان تأثیر بیشتری بر شکل‌گیری دیدگاه‌های نوجوانان نسبت به بزرگسالان مسئول مانند والدین و معلمان دارد. کلمن دریافت که زمینه خانوادگی و محلی نسبت به عوامل مربوط به ماهیت خود مدرسه وزنه سنگین‌تری هستند. کلمن در مطالعه دیگری روی موفقیت مدارس خصوصی در مقایسه با مدارس دولتی، دریافت که دانش‌آموزان در مدارس کاتولیک و مدارس که دارای وابستگی‌های مذهبی دیگری هستند، عملکرد بهتری دارند. حتی اگر عوامل دیگری مثل طبقه اجتماعی و قومیت در نظر گرفته شوند. به اعتقاد او، اجتماعات منبعی برای سرمایه اجتماعی هستند که تأثیر کاستی‌های اجتماعی و اقتصادی را جبران می‌کنند (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۵). جامعه‌شناسی انتخاب عقلایی کلمن فرض می‌کند کنشگران فردی معمولاً به دنبال کسب منفعت فردی هستند، اگر آنها انتخاب می‌کنند که همکاری کنند، به خاطر آن است که این امر مورد علاقه آنهاست. به اعتقاد کلمن (۱۳۷۷)، کنشگران نمی‌خواهند سرمایه اجتماعی را به وجود آورند، بلکه سرمایه اجتماعی پیامد ناخواسته تلاش آنها برای کسب علایق خود است. به اعتقاد کلمن عواملی که سبب گسترش سرمایه اجتماعی می‌شوند عبارت‌اند از: کمک، ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها (کلمن و فرارو، ۱۹۹۲، ص ۲۶۷).

۱. کمک: درخواست کمک افراد از یکدیگر مقدار سرمایه اجتماعی را بیشتر خواهد کرد. هرگاه عواملی مانند رفاه و فراوانی و کمک دولت سبب شود تا افراد نیازشان به یکدیگر کمتر شود، میزان سرمایه اجتماعی کمتر خواهد شد؛

۲. ایدئولوژی: آن دسته از اعتقادات مذهبی که بر ضرورت کمک و عمل به نفع دیگران تأکید دارند عامل مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی هستند؛

۳. اطلاعات: از نظر کلمن یک شکل مهم سرمایه اجتماعی ظرفیت بالقوه اطلاعات است که جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر روابط اجتماعی است، اما به‌دست آوردن اطلاعات هزینه دارد. یکی از ابزارهای کسب اطلاعات، استفاده از روابط اجتماعی است؛

۴. هنجارهای اجتماعی: اگر در درون گروه‌های اجتماعی، هنجارهای مؤثر و نیرومندی بر اینکه فرد باید منافع شخصی را رها کرده و به سود جمع عمل کند، وجود داشته باشد، سرمایه اجتماعی شکل خواهد گرفت.

بعکس سرمایه انسانی و فیزیکی که معمولاً کالایی خصوصی و متعلق به افراد است، کلمن سرمایه اجتماعی را کالایی ماهیتاً عمومی معرفی می‌کند که توسط تمام افرادی که بخشی از یک ساختار هستند ساخته می‌شود و به آنها سود می‌رساند. کلمن مبسوط‌ترین تعریف خود را از سرمایه اجتماعی برای پی‌ریزی یک نظریه کلی جامعه‌شناسی انتخاب عقلانی ارائه داد. در چارچوب نظریه انتخاب عقلانی، کلمن معتقد است که کنشگران نمی‌خواهند سرمایه اجتماعی را به وجود آورند، بلکه سرمایه اجتماعی پیامد ناخواسته تلاش آنها برای کسب علایق خود است. به باور کلمن، سرمایه اجتماعی به خاطر انتخاب حسابگرانه کنشگران برای سرمایه‌گذاری در آن به وجود نمی‌آید بلکه محصول فرعی درگیر شدن در فعالیت‌ها به منظور اهدافی دیگر است. به‌طورکلی از دیدگاه کلمن مشتمل بر روابط اجتماعی مبتنی بر اعتماد و شبکه‌های مترکم تعامل و هنجارهای مشوق عمل جمعی نیز توانایی تسهیل تولید و دستیابی به هدف را دارند. سرمایه اجتماعی متعلق به گروه هاست و نه افراد و به شکل عینی و فیزیکی وجود ندارد. به‌علاوه، سرمایه اجتماعی هرچه بیشتر مصرف شود افزایش خواهد یافت و در صورت عدم مصرف رو به کاهش و نابودی خواهد گذاشت (کلمن، ۱۹۹۴، ص ۳۱۲).

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر، رویکردی تحلیلی - توصیفی را با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای برگزیده است؛ چراکه با مروری بر آراء جیمز کلمن در باب سرمایه اجتماعی تلاش می‌شود تا نظریه کلمن با توجه به شواهد و مستندات موجود مورد تحلیل، نقد و واکاوی قرار گیرد. در مفهوم نقد، طلب و بی‌طرفی، بررسی و دست گرفتن و از هم جدا کردن و پنهان‌ها را بیرون کشیدن نهفته است. نقد به معنای رد و مخالفت نیست، بلکه نقد به معنای ارزیابی و وارسی اندیشه است؛ لذا جای دارد که ناقد، نقاط قوت اندیشه را نیز بیان کند. در یک تقسیم‌بندی می‌توان روش‌های کشف خطاهای احتمالی در نظریه‌ها را به دو گروه کلی تقسیم‌بندی نمود:

الف) نقد اولیه یا نقد محصولات فکری (آیا در تدوین نظریه اشتباهی / خطایی رخ داده است؟)؛

ب) نقد ثانویه یا کشف علل یا چرایی وقوع اشتباه / خطا در تدوین نظریه.

به منظور کشف خطاهای احتمالی که در این دو دسته جای می‌گیرند، از معیارهایی استفاده می‌شود. در این پژوهش از چارچوب پیشنهادی قریشی (۱۳۹۳) برای نقد نظریه کلمن استفاده شده است و ساختار نوشتار حاضر براساس آن تدوین و نگارش شده است. معیارهای نقد اولیه شامل چهار گروه به شرح زیر است (قریشی، ۱۳۹۳، ص ۱۹-۴۰):

۱. سنجش انسجام: یک نظریه را می‌توان براساس میزان انسجام موجود در گزاره‌های آن (وجود یا عدم وجود تناقض بین گزاره‌ها)، انسجام با بدیهیات عقلی، و میزان تأمین انتظاری که آن نظریه برای دستیابی به آنها تدوین شده (به‌طور جامع و مانع) ارزیابی نمود؛

۲. سنجش میزان انطباق با واقعیت از طریق آزمون تجربی نظریه یا مطالعه تاریخچه پیدایش نظریه؛

۳. سنجش سودمندی (اعتبار کارکردی): آیا نظریه هدف خاصی (در علوم اجتماعی تعالی انسان) را تأمین می‌کند؟ آیا مناسبات قدرت و اعمال نفوذ صاحبان قدرت در بروز خطای احتمالی در نظریه مؤثر بوده است؟

۴. سنجش قلمرو: نظریات جامعه‌شناسی قلمرو معینی دارند. لذا باید دو اعتبار بررسی شود: اعتبار تاریخی (زمانی) و اعتبار جامعه‌شناختی (وضعیت محل و گروه خاص).

معیارهای نقد ثانویه را نیز می‌توان در قالب چهار گروه به شرح زیر بیان نمود:

۱. نقد روان‌شناختی: آیا شخصیت نظریه‌پرداز در بروز خطای احتمالی در نظریه مؤثر بوده است؟

۲. نقد جامعه‌شناختی: علل پیدایش خطا در نقد جامعه‌شناختی اولیه چیست؟

۳. نقد فلسفی: آیا مبانی و زیرساخت‌های شناختی غلط منجر به بروز خطا در نظریه شده است؟

۴. نقد روشی: آیا روش مورد استفاده نظریه‌پرداز برای آزمون نظریه دچار کاستی بوده است؟

با توجه به معیارهای نقد اولیه و ثانویه ذکرشده، در این مطالعه نظریه سرمایه اجتماعی کلمن مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

۴. نقدی بر انسجام درونی نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

با نگاهی به تعاریفی که کلمن از سرمایه اجتماعی ارائه کرده می‌توان دریافت که برخی از تعاریف کلمن با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی مطرح شده و برخی دیگر بر جنبه‌های اقتصادی متمرکزند. درواقع کلمن قصد داشت یک علوم اجتماعی بین‌رشته‌ای را توسعه دهد که می‌تواند جامعه‌شناسی و اقتصاد را به هم نزدیک سازد. درواقع یکی از علایق اصلی او ترکیب جامعه‌شناسی با جریان‌های عمده اقتصادی بود و به همین دلیل او مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌عنوان پلی بین اقتصاد و جامعه‌شناسی به کار می‌گیرد. در حقیقت کلمن می‌خواست اقتصاد و نظریه اجتماعی را

براساس نظریه انتخاب عقلانی با هم پیوند دهد. نظریه انتخاب (کنش) عقلایی کلمن در این عقیده با اقتصاد کلاسیک مشترک است که تمام رفتارهای افراد ناشی از تلاش برای کسب علایق فردی است. تحلیل اقتصادی با در نظر گرفتن این دو فرضیه که اشخاص به طور عقلانی عمل می‌کنند و بازارها مکان تمام‌عیار ارتباطات هستند این توانایی را دارد که سطح کلان نظام را به سطح خرد کنش فردی پیوند زند. کلمن به شدت تحت تأثیر گری بکر (اقتصاددان امریکایی) بود که در کار خود بر روی سرمایه انسانی، اصول اقتصاد را برای مطالعه آموزش و پرورش، خانواده، سلامت و تبعیض به کار برد و از چارچوب نظری انتخاب عقلایی استفاده کرد. کلمن به حق در ظهور نظریه انتخاب عقلایی در جامعه‌شناسی معاصر عملکرد موفقیت‌آمیزی داشته است. او کوشید مفهوم سرمایه اجتماعی را در چارچوب فکری نظریه انتخاب عقلانی قرار دهد. کلمن در نظریه انتخاب عقلایی خود، این دیدگاه را توسعه داد که جامعه، تجمعی از نظام‌های اجتماعی رفتار فردی است. با توجه به اینکه کلمن در تدوین نظریه سرمایه اجتماعی خود، گزاره‌های اجتماعی و اقتصادی‌ای را ارائه می‌کند که با یکدیگر همسو بوده، یکدیگر را تقویت می‌کنند و به نوعی مکمل یکدیگر هستند، بنابراین نظریه وی از حیث انسجام درونی (سازگاری گزاره‌ها با یکدیگر) موفق بوده است و این یکی از نقاط قوت نظریه سرمایه اجتماعی کلمن به شمار می‌رود.

یکی از نقدهای وارد بر کلمن، نادیده گرفتن نقش فعالیت‌ها و نهادهای سیاسی، دست‌کم گرفتن عامل دولت و جامعه محور بودن بیش از حد است. این نقد از بعد شاخص جامعیت و مانعیت در ذیل نقد انسجام مطرح شده است. به همین دلیل این نقد در ذیل بخش انسجام از حیث جامع و مانع بودن در تأمین انتظارات از یک نظریه قرار می‌گیرد. این در حالی است که دولت‌ها بازیگران منفعلی در این فرایند نیستند و می‌توانند چارچوبی بسازند که در آن شهروندان تصمیم بگیرند که به حوزه عمومی بپیوندند یا در خانه بنشینند و تلویزیون تماشا کنند. این در حالی است که از یک نظریه سرمایه اجتماعی «انتظار» می‌رود که رویکردهای نهادی و هم‌افزایی را نیز پوشش دهد. از منظر نهادی، سرمایه اجتماعی ویژگی نوع خاصی از عملکرد نهادهاست که با تأثیر بر نظام‌های انگیزش، بر دایره انتخاب‌های افراد تأثیر می‌گذارد و هزینه‌های مبادلاتی در فعالیت‌ها را کاهش می‌دهد. جذابیت سرمایه اجتماعی برای رویکرد نهادی از وجه وابسته بودن آن به ترتیبات نهادی خاصی است که میزان و کیفیت سرمایه اجتماعی را در یک جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. رویکرد نهادگرایی بر نقش دولت و نهادهای دولتی و به طور کلی ترتیبات نهادی تأکید می‌کند. از این منظر دولت نقش کلیدی در رفع مسائل مترتب بر عمل جمعی و تولید خیر دارد. ویژگی‌های دولت‌ها مانند عملکرد نهادی و کارآمدی، میزان قابل اعتماد بودن مقامات دولتی و... بیشتر از سیاست‌های مستقیم آنها در تولید یا زوال سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. فساد دستگاه حکومت از طریق کاهش اطمینان شهروندان به توانایی دولت در تضمین توافقات جامعه مدنی مانع توسعه سرمایه اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر، رویکرد هم‌افزایی بر اتلاف حرفه‌ای و پویا و روابط درون و میان بوروکراسی دولتی و بازیگران متعدد جامعه مدنی تأکید می‌کند.

حکومت‌ها، شرکت‌ها و گروه‌های مدنی هریک می‌توانند در تحقق توسعه پایدار اثرگذار باشند و هیچ‌یک به‌تنهایی صاحب تمامی منابع نیست. نهادهای کلان محیط را برای عملکرد نهادهای خرد فراهم می‌کنند و نهادهای خرد نیز به نوبه خود به پایداری و ثبات نهادهای کلان کمک می‌کنند. ویژگی مهم این دیدگاه توجه به امکان تعامل مطلوب بین سرمایه اجتماعی در سطح سازمان‌های رسمی و غیررسمی است. بنابراین انتظاری که از یک نظریه سرمایه اجتماعی می‌رود آن است که باید رویکردهای هم‌افزایی و نهادی را پوشش دهد. اما کلمن با نادیده گرفتن این رویکردها، تصویر کاملی از سرمایه اجتماعی ارائه نکرده است؛ در نتیجه کار او از حیث انسجام به لحاظ عدم توانایی نظریه در تأمین انتظار جامع و مانع‌بودن، قابل نقد است.

۵. نقدی بر انطباق با واقعیت نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

یکی از مهم‌ترین نقدهایی را که می‌توان از جهت انطباق با واقعیت بر نظریه سرمایه اجتماعی کلمن مترتب دانست، مسئله فرسایش سرمایه اجتماعی است. کلمن در نگاشته‌های خود هیچ‌گاه پیش‌بینی نکرده بود که سرمایه اجتماعی ممکن است با فرسایش به شکل امروزی آن در جوامع پیشرفته و نیز در حال توسعه روبه‌رو شود؛ درحالی‌که پس از دهه ۱۹۶۰ در آمریکا، با پدیده فرسایش سرمایه اجتماعی مواجهیم.

کلمن سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای مثبت می‌دانست. گرچه به‌زعم کلمن سرمایه اجتماعی می‌تواند کارکردهای مثبتی داشته باشد، اما کارکردهای منفی آن را نیز نباید از نظر دور داشت. درواقع نقد دیگری که می‌توان بر کلمن وارد دانست، نادیده انگاشتن پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی است. برخی از پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی بدین قرارند:

۱. شبکه‌های اجتماعی که برای اعضای خود منابع و منافع فراهم می‌کنند می‌توانند افراد دیگری را در شبکه عضویت ندادن از دستیابی به آن منابع محروم کنند؛

۲. همبستگی شدید گروهی تحت برخی شرایط می‌تواند مانع از موفقیت و ابتکار اعضای ساعی شود. مسئله سواری مجانی در این شرایط مطرح است. اعضای کمتر ساعی گروه همه نوع تقاضای مورد حمایت از ساختار هنجاری مشترک را بر افراد موفق‌تر تحمیل می‌کنند؛

۳. «همنوايي» یکی از ضرورت‌های مهم مشارکت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. محیط خانواده و شبکه خویشاوندی مرجعی برای حمایت است. اما میزان کنترل اجتماعی در چنین وضعیتی بالاست و اغلب آزادی‌های فردی را به طور کامل با محدودیت مواجه می‌سازد. خانواده‌گرایی اگرچه مزایایی مانند حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و اقتصادی با خود دارد، اما از آنجاکه در این نوع از روابط اجتماعی حفظ انسجام گروه بر امور دیگر مقدم است، «فردیت» جایگاه چندان مهمی نخواهد داشت. اگر فردیت را به معنای موقعیت فراهم‌آورنده خلاقیت، نوآوری و پیشرفت بدانیم، آنگاه نباید انتظار زیادی از امکان تحقق تحرک، نوآوری و تنوع در محیط کوچک داشته

باشیم. به عبارت دیگر هرچه اندازه یک اجتماع کوچک باشد به سبب محدودیت فضای تعامل اجتماعی و کاهش تنوع، روابط اجتماعی فرد ویژگی‌های گروه نخستین را پیدا خواهد کرد؛

۴. رابطه معکوس بین پیوندهای مستحکم اخلاقی داخلی گروه با میزان اعتماد گروه به افراد غیرعضو، گاهی اوقات می‌تواند موجب کاهش همکاری مؤثر گروه با جامعه گردد. مثلاً فوکویاما ضمن تأیید اهمیت خانواده به‌مثابه شکلی از سرمایه اجتماعی به جوامعی اشاره دارد که در آنها توازنی میان مناسبات خانوادگی و مناسبات غیرخانوادگی وجود نداشته است و بر مناسبات خانوادگی به زیان دیگر مناسبات اجتماعی تأکید می‌شود.

نقد دیگری که به لحاظ انطباق با واقعیت بر نظریه سرمایه اجتماعی کلمن وارد می‌باشد، این است که او در نظریه سرمایه اجتماعی خود، دیدگاهی محافظه‌کارانه نسبت به وظیفه مادری داشت. با عنایت به مسائل جوامع معاصر می‌توان دریافت که این دیدگاه کلمن با واقعیت روز انطباق دارد. کلمن معتقد بود کار بیرون خانه مادران، در کنار دیگر مسائل، موجب کاهش دریافتی کودک از سرمایه اجتماعی خانواده می‌شود. بنابراین او هراس داشت که افزایش نرخ مادران شاغل موجب آسیب طولانی‌مدت به ذخیره‌های سرمایه اجتماعی می‌شود. نتیجه مطالعه ویرجینیا مارو (۱۹۹۹) نیز نشان داد که تأثیر منفی کار زود هنگام مادر بر کودک اندک است. نتایج این محقق نشان داد که خانواده عموماً تأثیر آشکاری بر توانایی بیانی و الگوهای رفتاری کودکان می‌گذارد؛ اما اشتغال مادران تنها بر استدلال زبانی تأثیری منفی می‌گذارد، آن هم هنگامی که کار مادر، کاری کم‌مهارت بوده است.

۶. نقدی بر قلمرو (اعتبار جامعه‌شناختی) نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

معرفت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با وضعیت محل و گروه موضوع معرفت دارد و توجه به ضرورت انطباق معرفت اجتماعی با موقعیت محلی و گروهی ویژه و اندک بودن امکان جهان‌شمولی آن نقش برجسته‌ای در تحلیل و فهم صحیح این معرفت ایفا می‌کند. معرفت اجتماعی خاص ممکن است درخصوص یک محل یا گروه ویژه صحیح و سنجیده بوده و همان معرفت درخصوص محل یا گروه دیگری صادق نباشد. عدم اعتنا به اعتبار جامعه‌شناختی معرفت اجتماعی و به عبارت دیگر «موقعیت اجتماعی» منتهی به بروز بیگانگی نظری می‌شود (قریشی، ۱۳۹۳، ص ۳۱-۳۲). به نظر می‌رسد که نظریه کلمن از جهت اعتبار جامعه‌شناختی (اولیه) معتبر نیست؛ چراکه کلمن تنها وضعیت محل (امریکا) و گروه خاصی (کودکان و جوانان) را مدنظر قرار داده است. در تعاریفی که کلمن با تأکید بر ابعاد جامعه‌شناختی ارائه می‌کند، عمدتاً از واژه‌هایی همچون «رشد کودکان» یا «توسعه شناختی و اجتماعی کودک و یا جوان» استفاده می‌کند که این نشان‌دهنده تأکید وی بر گروه‌های سنی پایین جامعه می‌باشد. برای مثال در تعریفی سرمایه اجتماعی را مجموعه منابعی که در ماهیت روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی اجتماع وجود دارند و برای توسعه‌شناختی و اجتماعی کودک و جوان مفید هستند، تلقی می‌نماید. در جای دیگری او سرمایه اجتماعی را هنجارها، شبکه‌های اجتماعی، و روابط بین

بزرگسالان و کودکان که برای رشد کودکان مهم هستند، در نظر می‌گیرد. بنابراین کلمن از این جهت که کانون توجهش در تبیین سرمایه اجتماعی، کودکان و نوجوانان است قابل نقد است. به علاوه، تمامی مطالعات کلمن در آموزش و پرورش ایالات متحده آمریکا و عمدتاً بر روی اقلیت‌های قومی و مذهبی بوده است. برای نمونه در پژوهشی که به «گزارش کلمن» معروف شد، او توجه خود را به جوانان و آموزش و پرورش معطوف کرد. این گزارش به سیاست بسیار بحث‌برانگیز اتوبوسی کردن (بردن کودکان با اتوبوس به مدارس مناطق دیگر به منظور آمیزش نژادی) به عنوان روشی برای ایجاد برابری نژادی در مدارس آمریکا منتهی شد.

۷. نقد فلسفی بر نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

مفهوم سرمایه اجتماعی مبتنی بر بنیان فلسفی نظریه‌های علوم اجتماعی غرب شکل گرفته است. یکی از پیش‌فرض‌های نظریه سرمایه اجتماعی کلمن آن است که او به شدت تحت تأثیر نظریه انتخاب عقلایی در اقتصاد کلاسیک بوده است. نظریه انتخاب عقلایی نشان می‌دهد که افراد در عمل کنش‌هایی را برمی‌گزینند که با در نظر گرفتن سود و زیان آنها فایده یا سودمندی‌شان را به حداکثر برسانند. جامعه‌شناسی کنش عقلایی مدلی بسیار فردگرایانه از رفتار انسان را مفروض می‌دارد که در آن فرد، بدون توجه به سرنوشت دیگران به طور خودکار علایق خود را دنبال می‌کند. در نتیجه، یکی از ضعف‌های زیربنایی نظریه سرمایه اجتماعی کلمن آن است که او توجه اندکی به این امر دارد که انسان‌ها یکدیگر را دوست دارند یا از هم متنفرند و همین امر موجب می‌شود که آنان با همدیگر همکاری کنند یا از هم بیزار باشند، به این دلیل که خارج از محدوده محاسبه عقلانی قرار می‌گیرد. اصولاً نظریه پردازان نظریه انتخاب عقلایی (و به ویژه کلمن) همواره در پی آن بودند که نشان دهند این همکاری با اصول فردگرایی و نفع شخصی سازگار است. وجود چنین پیش‌فرض‌ها و زمینه فکری در پس ذهن کلمن سبب گردید او مسائل اجتماعی مهمی همچون علاقه و نفرت را در چارچوب خود وارد نسازد.

۸. نقد جامعه‌شناختی (ثانویه) بر نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

همان‌طور که ذکر شد، کلمن به سبب تمرکزش بر گروه‌های سنی پایین جامعه (کودکان و نوجوانان) مورد نقد است. این امر ناشی از علاقه کلمن به تبیین روابط نابرابری اجتماعی و موفقیت تحصیلی در مدارس بود. عمده مطالعات کلمن در مورد جامعه نوجوانان بود. برای مثال، کلمن مطالعه‌ای را بین دانش‌آموزان دبیرستانی در شیکاگو انجام داد. او نشان داد که گروه همالان تأثیرات بیشتری بر شکل‌گیری دیدگاه‌های نوجوانان نسبت به بزرگسالان مسئول مانند والدین و معلمان دارد. در مطالعه‌ای دیگر، او به بررسی موفقیت در مدارس خصوصی و دولتی پرداخت. کلمن داده‌های ۵۰۰۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی سال دوم و آخر در زمینه موفقیت شناختی را گردآوری کرد و دریافت که دانش‌آموزان در مدارس کاتولیک و مدارسی که دارای وابستگی‌های مذهبی هستند عملکرد بهتری دارند حتی اگر

عوامل دیگری مثل طبقه اجتماعی و قومیت را در نظر گرفت. او در مطالعه دیگری که درباره عملکرد دانش‌آموزان در مدارس کاتولیک انجام داد دریافت که این دانش‌آموزان میزان غیبت و ترک تحصیل کمتری از دانش‌آموزان دارای زمینه و توانایی مشابه در مدارس دولتی دارند. این یافته‌ها در مورد دانش‌آموزانی که از زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و قومیتی پایینی بودند و نیز مناطقی که خانواده‌ها نمی‌توانستند به توسعه‌شناختی کودکانشان کمک کنند نیز صادق بود (کلمن، ۱۹۸۲). مشاهده می‌شود که علاقه کلمن به آموزش و پرورش و کودکان سبب گشته او در تعاریفی نیز که از سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند، نوعی تعصب نسبت به رده‌های سنی پایین‌تر جوامع داشته باشد.

۹. نقد روش‌شناسانه بر نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

حوزه روش‌شناسی بسیار گسترده است. جامعه هدف مورد مطالعه یکی از محورهای روش‌شناختی است که در اینجا به‌عنوان محلی برای نقد مطرح است. تمرکز کلمن بر یک جامعه هدف محدود یک ضعف روش‌شناسی به شمار می‌رود. کار کلمن را می‌توان به خاطر تمرکز بر یک نوع نهاد تربیتی مورد نقد قرار داد. او به روابط نوجوانان و کودکان بسیار علاقه‌مند بود و پژوهش‌های او درباره سرمایه اجتماعی و آموزش و پرورش به دوره مدرسه محدود بود و توجه اندکی به دوره‌های آموزشی بعدی در نظام تحصیلات رسمی نمود. او هیچ توجهی به یادگیری‌های غیررسمی مثلاً در محل کار نمی‌نمود. تقریباً در تمامی مطالعات تجربی که کلمن انجام می‌داد، محور توجه دانش‌آموزان دبیرستانی بودند. به‌عنوان مثال، در میانه دهه ۱۹۶۰، کلمن پیمایش بزرگی درباره موفقیت و فرصت تحصیلی در میان شش گروه قومی انجام داد. این پژوهش براساس سند کنگره انجام شد و تحت نظارت اداره آموزش و پرورش ایالات متحده بود. در مطالعه طولی دیگری، کلمن به بررسی عملکرد دانش‌آموزان در مدارس کاتولیک پرداخت. همچنین در مطالعه‌ای دیگر به مقایسه میزان موفقیت دانش‌آموزان در مدارس دولتی و خصوصی پرداخت. در این مطالعات و سایر مطالعاتی که کلمن در رابطه با سرمایه اجتماعی انجام می‌داد، آموزش و پرورش به طور عام و دانش‌آموزان به طور خاص مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گرفتند. بنابراین یافته‌های کلمن عمدتاً برای این قشر جامعه تعمیم‌پذیر می‌باشد و نمی‌توان نتایج آنها را به سایر اقشار و طبقات جامعه نسبت داد. به‌علاوه، کلمن را می‌توان به خاطر استفاده صرف از تعداد والدین حاضر در خانواده و صرف نظر از ابعاد نامشهود مسئله همچون وجود والدین ناتنی و انواع مختلف خانواده‌های تک‌والد مورد نقد قرار داد. بنابراین محدودیت بودن جوامع مورد بررسی کلمن، اعتبار یافته‌های کلمن را به لحاظ روش‌شناختی تنزل می‌بخشد.

افزون بر این، کلمن را می‌توان به خاطر بی‌توجهی به جنسیت مورد نقد قرار داد. کلمن نه در تعاریف خود از سرمایه اجتماعی وزنی را برای عامل جنسیت در نظر گرفته بود و نه در هیچ از مطالعات تجربی خود که روی آموزش و پرورش انجام داده بود، تحلیلی روی تفاوت جنسیتی دانش‌آموزان انجام نداده است. برای مثال، در مطالعه‌ای که کلمن روی دانش‌آموزان دبیرستان‌های کاتولیک انجام داد، عملکرد آنها را با در نظر گرفتن متغیرهای

طبقه اجتماعی و قومیت ارزیابی کرد اما عامل جنسیت را لحاظ نکرد. این در حالی است منتقدان فمینیست اشاره کرده‌اند که تعهد مدنی بسیار وابسته به جنسیت است. گرچه علاقه کلمن به سرمایه اجتماعی از تلاش برای تبیین روابط نابرابر اجتماعی ناشی می‌شود، اما هیچ‌گاه در تحلیل‌هایش مسئله نابرابری‌های جنسیتی را مدنظر قرار نداد. باید توجه داشت که جنسیت مفهومی تحلیلی است. به‌کارگیری یک رویکرد مبتنی بر جنسیت و یا تحلیل جنسیتی به این معناست که نهادهای اجتماعی باید تأثیر (بالقوه) سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را بر زنان، مردان و روابط میان آنان ارزیابی کنند. بنابراین برای سازمان‌های جامعه مدنی یک رویکرد جنسیتی به معنای تقویت استراتژی‌هایی است که به اصلاح تفاوت‌های جنسیتی می‌پردازد. این استراتژی‌ها می‌توانند به صورت جداگانه و یا مشترک بر زنان و مردان تمرکز داشته باشند. این نکته حائز اهمیت است که بخشی از نابرابری زنان و مردان نتیجه تبعیض ساختاری و نهادی است. لذا باید تفاوت میان نقش‌های جنسی و جنسیتی را درک کرد. این همان مسئله‌ای است که کلمن در تحلیل‌هایش در رابطه با سرمایه اجتماعی از قلم انداخته بود. در نتیجه، نظریه سرمایه اجتماعی کلمن به خاطر نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسیتی مورد نقد روشی است.

۱۰. نقدی بر قلمرو (اعتبار تاریخی) نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

معرفت اجتماعی ربط وثیقی با مقتضیات زمانی دارد و چنین معرفتی عموماً رنگ زمان به خویش می‌پذیرد. به طوری که معرفت حال چندان مناسبی با اوضاع گذشته ندارد و معرفت گذشته برای غلبه بر مسائل و مشکلات حال مفید و کارگشا نیست. از همین رو هرگاه معرفتی بدون اعتنا به مقتضیات زمانی آن معتبر و کارآمد تلقی شود، به احتمال قوی جریان امر به سوی تبدیل معرفت اجتماعی به پدیده‌ای به نام «جزم‌اندیشی» حرکت خواهد کرد (قریشی، ۱۳۹۳، ص ۲۰). از باب اعتبار تاریخی می‌توان اظهار داشت که کلمن پذیرفت که احتمال دارد میزان سرمایه اجتماعی در طول زمان تغییر کند و نیز اینکه اجزاء، خروجی‌ها، و پیامدهای آن ممکن است دچار نوسان شود. درواقع کلمن سرمایه اجتماعی را بسیار وابسته به مسیر تاریخی می‌دانست و وضعیت امروز آن را نتیجه مجموعه‌ای از فرایندهای طولانی‌مدت تاریخی تلقی می‌کرد. بنابراین می‌توان استنباط کرد که کلمن تغییر در زمان را پذیرفته و رهیافت او در نظریه سرمایه اجتماعی، دارای اعتبار تاریخی است.

۱۱. نقدی بر سودمندی (کارکرد) نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

هدف معرفت اجتماعی تعالی انسان است ولی گاهی اوقات هدف معرفت اجتماعی از سوی صاحبان قدرت تعیین می‌شود و معرفت اجتماعی تحت قیمومت منافع و خواسته‌های قدرتمندان قرار می‌گیرد (قریشی، ۱۳۹۳، ص ۳۸). با این توضیح، یکی دیگر از نقاط قوت نظریه سرمایه اجتماعی کلمن آن است که مناسبات قدرت نتوانسته مسیر فکری او را تغییر دهد. کلمن با مطالعاتی تجربی درباره موفقیت آموزشی در مناطق اقلیت‌نشین امریکا توانست نشان

دهد که سرمایه اجتماعی به انسان‌های قدرتمند محدود نیست، بلکه می‌تواند مزایای فراوانی برای اجتماعات فقیر و حاشیه‌ای نیز داشته باشد. با این وجود، از نقاط ضعف نظریه سرمایه اجتماعی کلمن آن است که در تبیین جهت معکوس سرمایه اجتماعی یعنی افول / فرسایش سرمایه اجتماعی سخنی به میان نیاورده است.

نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف نقد آراء کلمن در زمینه سرمایه اجتماعی براساس معیارهای سنجش معرفت اجتماعی، (نقد منطق درونی و بیرونی، اعتبار جامعه‌شناختی و روش‌شناختی، اعتبار فلسفی و اعتبار کارکردی) انجام شد. کلمن به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته سرمایه اجتماعی، سعی در شناخت نقش هنجارها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی داشت تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه‌های انسانی شود. به همین دلیل او سرمایه اجتماعی را شامل آن جنبه‌ای از ساخت اجتماعی می‌داند که کنش‌های متقابل افراد را درون ساختار اجتماعی تسهیل می‌نماید.

نتایج نشان داد که تعریف کلمن با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی مطرح شده است. نظریه وی از حیث انسجام درونی موفق بوده است و این یکی از نقاط قوت نظریه سرمایه اجتماعی کلمن به شمار می‌رود. با این حال کلمن، نقش فعالیت‌ها و نهادهای سیاسی را نادیده گرفته و عامل دولت را دست‌کم می‌گیرد و بودن بیش از حد جامعه‌محور است. از جهت انطباق با واقعیت، نظریه سرمایه اجتماعی کلمن مسئله فرسایش سرمایه اجتماعی را چندان مورد توجه قرار نمی‌دهد. کلمن هیچ‌گاه پیش‌بینی نمی‌کرد که سرمایه اجتماعی ممکن است با فرسایش به شکل امروزی آن در جوامع پیشرفته و نیز در حال توسعه روبه‌رو شود. وی سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای مثبت می‌دانست. گرچه به‌زعم کلمن سرمایه اجتماعی می‌تواند کارکردهای مثبتی داشته باشد، اما کارکردهای منفی آن را نیز نباید از نظر دور داشت. در واقع لذا کلمن انگاشتن پیامدهای منفی سرمایه اجتماعی را نادیده می‌انگاشت. به‌علاوه کلمن در نظریه سرمایه اجتماعی خود، دیدگاهی محافظه‌کارانه نسبت به وظیفه مادری داشت. نظریه کلمن از جهت اعتبار جامعه‌شناختی (اولیه) معتبر نمی‌باشد؛ چراکه کلمن تنها وضعیت محل (امریکا) و گروه خاصی (کودکان و جوانان) را مدنظر قرار داده است. مفهوم سرمایه اجتماعی مبتنی بر بنیان فلسفی نظریه‌های علوم اجتماعی غرب شکل گرفته است. همچنین یکی از پیش‌فرض‌های نظریه سرمایه اجتماعی کلمن آن است که او به شدت تحت تأثیر نظریه انتخاب عقلایی در اقتصاد کلاسیک بوده است. به‌علاوه، کلمن به خاطر تمرکز بر گروه‌های سنی پایین جامعه (کودکان و نوجوانان) مورد نقد است. این امر ناشی از علاقه کلمن به تبیین روابط نابرابری اجتماعی و موفقیت تحصیلی در مدارس بود. عمده مطالعات کلمن در مورد جامعه نوجوانان بود. افزون بر این، کار کلمن را می‌توان به خاطر تمرکز بر یک نوع نهاد تربیتی مورد نقد قرار داد. او به روابط نوجوانان و کودکان بسیار علاقه‌مند بود و پژوهش‌های او درباره سرمایه اجتماعی و آموزش

و پرورش به دوره مدرسه محدود بود و توجه اندکی به دوره‌های آموزشی بعدی در نظام تحصیلات رسمی نمود. با این حال کلمن تغییر در زمان را پذیرفته و رهیافت او در نظریه سرمایه اجتماعی، دارای اعتبار تاریخی است. از نقاط قوت نظریه سرمایه اجتماعی کلمن آن است که مناسبات قدرت توانسته مسیر فکری او را تغییر دهد. همچنین از نقاط ضعف نظریه سرمایه اجتماعی کلمن آن است که در تبیین جهت معکوس سرمایه اجتماعی یعنی افول / فرسایش سرمایه اجتماعی سخنی به میان نیاورده است. فرسایش سرمایه اجتماعی منجر به اختلال در روابط می‌شود. منظور از اختلال رابطه‌ای عبارت است از پایین بودن میزان چگالی روابط اجتماعی و همچنین قرینگی و تعدد و شدت روابط اجتماعی و تنوع هویت‌ها در روابط اجتماعی. در شرایط اختلال رابطه‌ای، احترام متقابل اجتماعی و انصاف اجتماعی کاهش می‌یابد. این اختلال استحکام اجتماع را خدشه‌دار می‌کند و آسیب‌پذیری فرد را افزایش می‌دهد. با توجه به اهمیت وافر سرمایه اجتماعی برای فرد و جامعه لازم است سرمایه‌گذاری‌های جدیدی برای تأمین سرمایه اجتماعی جهت نسل آتی صورت پذیرد.



منابع

- روزخوش، محمد، ۱۳۹۹، «ایدۀ سرمایه اجتماعی؛ راهگشا یا گمراه کننده؟ (نقدی بر پژوهش‌های ایرانی سرمایه اجتماعی)»، *مسائل اجتماعی ایران*، ش ۱۱(۲)، ص ۶۵-۹۶.
- رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۹۳، «نقد مفهومی سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ش ۵۵، ص ۷-۴۴.
- عریضی، حمیدرضا، ۱۳۹۷، «نظریه ضد سرمایه‌ای فساد اداری و نقد مفهوم سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ش ۶۹، ص ۷۹-۱۲۷.
- فراهانی‌فرد، سعید و همکاران، ۱۴۰۱، «تحلیل انتقادی چارچوب اخلاقی سرمایه اجتماعی؛ دلالت‌هایی برای مطالعات اسلامی»، *اسلام و علوم اجتماعی*، ش ۲۷، ص ۹۱-۱۰۳.
- قریشی، فردین، ۱۳۹۳، *مبانی معرفت‌شناسانه اندیشه‌ورزی اجتماعی در ایران*، تهران، جامعه‌شناسان.
- کلمن، جیمز، ۱۳۷۷، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمۀ منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- Coleman, J. S., 1982, *The Asymmetric Society*, Syracuse University Press.
- _____, 1988, "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, V. 94, p. 95-120.
- _____, 1994, *Foundations of Social Theory*, Cambridge, MA: The Belknap Press of Harvard University.
- Coleman, J. S. and Fraro, T.L., 1992, *Rational choice theory: advocacy and critique*, New York, Sage Publication.
- Morrow, V., 1999, "Conceptualising Social Capital in Relation to the Well-being of Children and Young People: a critical review", *Sociological Review*, V. 47, N. 4, p. 744-765.

